

به نام خدا

## جایگاه ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره)

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	نظریه ولایت فقیه
۶.....	دلایل لزوم تشکیل حکومت اسلامی
۱۰.....	جایگاه و نقش ولی فقیه در اندیشه امام خمینی (ره)
۱۳.....	ولایت فقیه در کلام امام (ره)
۱۸.....	قلمرو و اختیارات ولی فقیه
۲۰.....	نتیجه‌گیری
۲۲.....	پی‌نوشت‌ها
۲۴.....	منابع و مآخذ



## جایگاه ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره)

### چکیده

نقش و تأثیرگذاری شخصیتی چون امام خمینی (ره) در تاریخ معاصر ایران بی‌بدیل است. نقش‌آفرینی در تحول ساختار سیاسی ایران معاصر از سلطنت به نظام جمهوری اسلامی با رهبری حرکت انقلابی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ در بسیاری جنبه‌های دیگر لزوم توجه جدی به امام خمینی (ره) و آرا و اندیشه‌های ایشان را در تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد.

امام خمینی (ره) شاخصه اصلی گفتمان جدیدی به نام اسلام سیاسی در ایران است. از این رو فهم تاریخ معاصر ایران در چند دهه اخیر فارغ از توجه به گفتمان امام خمینی (ره) میسر نیست، زیرا عصر حاضر در نظام جمهوری اسلامی میراث امام خمینی (ره) است و ما در فضایی زندگی می‌کنیم که گفتمان امام خمینی (ره) در آن حضور زنده و تأثیرگذار دارد و هیچ اندیشه و عمل سیاسی بی‌ارتباط با این گفتمان میسر نیست. گفتمان امام تحول جدیدی در اندیشه سیاسی اسلام به حساب می‌آید که براساس نظام ولایت فقیه استوار شده است. به‌رغم پیشینه طولانی نظریه ولایت فقیه در اندیشه سیاسی شیعه تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، چنین نظریه‌ای به شکل عملی به حیات سیاسی و فکری جامعه اسلامی وارد نشده بود. امام با بهره‌گیری از سنت اسلامی گذشته و اجتهادی مبتنی بر زمان و مکان و تبیین شفاف‌تر موضوعات جدید

چون نقش مردم در زندگی سیاسی، نظام پارلمانی و نقش و جایگاه آن در قانونگذاری و بسیاری دیگر، خود سرآغاز تحول جدیدی در اندیشه سیاسی شیعه شد.

### مقدمه

ولایت فقیه، نظریه سیاسی امام خمینی (ره) است. امام خمینی (ره) این نظریه را در سال ۱۳۲۳ در کتاب کشف‌الاسرار مطرح کردند. ایشان در سال ۱۳۴۸ در تبعید نجف مبنای فقهی این نظریه را در درس خارجشان مورد بررسی قرار دادند. بعد از آن نیز در سال‌های بعد، خصوصاً بعد از قیام ۱۹ دی تا اوج‌گیری انقلاب، اهداف، آرمان‌ها، الگو، شکل و ماهیت حکومت اسلامی را تشریح می‌کردند و به‌عنوان یک طرح قابل قبول در مقابل رژیم سلطنتی ارائه دادند. امام خمینی (ره) عدالت را هدف عالی حکومت پیشنهادی خود خواندند و خواهان رژیمی شدند که بر پایه عدالت باشد.<sup>(۱)</sup> امام خمینی (ره) تصریح کردند عدالت جزء ذاتی هیچ‌کدام از رژیم‌های موجود دنیا نیست و تنها عدالت در رژیم اسلامی ممکن است. «در همه رژیم‌هایی که ما مطالعه می‌کنیم، جز رژیم اسلام، جز حکومت اسلامی، حکومتی نیست که عدالت داشته باشد».<sup>(۲)</sup> امام خمینی (ره) بر ادعای خویش استدلال می‌کردند که در اسلام در رابطه بین دولت و ملت، ضوابطی و حدودی معین و برای هر یک بر دیگری حقوقی تعیین کرده است که در صورت رعایت آن، هرگز رابطه مسلط و زیر سلطه به‌وجود نمی‌آید. اساس حکومت کردن و زمامداری در اسلام، یک تکلیف و وظیفه الهی است ... وسیله فخر و بزرگی بر دیگران نیست که از این مقام بخواید به نفع خود، حقوق ملتی را پایمال کند».<sup>(۳)</sup> امام خمینی (ره) الگویی که از حکومت



آرمانی خویش ارائه می‌دادند، الگویی منحصر به فرد بود که در جهان معاصر نمونه نداشت و به عبارت خود حضرت امام «آنچه را ما به نام جمهوری اسلامی خواستار آن هستیم، فعلاً در هیچ جای جهان نظیرش را نمی‌بینیم».<sup>(۴)</sup> امام خمینی (ره) تنها نمونه حکومت اسلامی را که ارائه می‌دادند، یکی خود پیغمبر اکرم (ص) که حاکم بود و دیگری را حکومت «حضرت امیر»<sup>(۵)</sup> معرفی و تأکید می‌کردند که «تنها مرجع استناد برای ما» زمان پیغمبر و زمان امام علی است.<sup>(۶)</sup>

ما در این تحقیق به بررسی نظریه ولایت فقیه امام خمینی، ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، قلمرو اختیارات ولی فقیه و جایگاه و نقش ولی فقیه در کلام و اندیشه امام می‌پردازیم.

### نظریه ولایت فقیه

آیت‌الله بروجردی در دو دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ به‌رغم اقتدار و حضور توانمند خود در حوزه‌های علمیه به سوی اقدام فعال و ایجابی در حوزه سیاست گام نگذارد. البته حضور ایشان مانع از هجوم‌های گسترده‌تری بود که جریان‌های سکولار برای حذف دیانت از صفحه حیات فرهنگی جامعه می‌توانستند انجام دهند. پس از رحلت آیت‌الله بروجردی حرکت‌های جدیدی از ناحیه سکولارها برای جذب و هضم فرهنگ و سیاست ایران در مجرای فرهنگ‌های حاشیه‌ای بلوک غرب شکل گرفت و از همین مقطع بود که حرکت نوینی نیز در افق مرجعیت شیعه شکل گرفت.

امام خمینی (ره) در آغاز دهه ۱۳۴۰، سیاست منفی و سلبی را که با صبر و

سکوت و وعده به فرج بسنده می‌کرد، پس از بیش از نیم قرن، دیگر بار به‌سوی یک سیاست فعال و در عین حال انقلابی تغییر داد. آنچه پس از مشروطه و خصوصاً پس از کودتای سیاه سیدضیاءالدین طباطبایی یزدی واقع شده بود، مرجعیت و رهبران مذهبی را به وادی ناامیدی و یأس کشانیده بود. شکست مشروطه، این پندار را تقویت کرده بود، که زمینه‌های اجتماعی لازم برای حضور فعال اسلام و تشیع در عرصه سیاست وجود ندارد و امام در آغاز دهه ۱۳۴۰ با کوله‌بار تجربه مشروطیت، موسی‌وار دریای یأس و ناامیدی را پشت سر گذارد.

حرکت ایجابی امام در چارچوب فقه سیاسی شیعه، اهداف مختلفی را می‌توانست تعقیب کند که در طول یکدیگر قرار می‌گرفتند. ایشان در گام‌های نخست، کنترل ظلم، مقاومت و رویارویی با تسلط کفار بر مسلمانان و حراست از عزت اسلامی را در دستور کار خود قرار داد و همراه با آن، مشروعیت اصل نظام شاهنشاهی را در معرض پرسش قرار داد و از آن پس در پی تحقق آرمانی برآمد که در طول دوران غیبت در سینه و دل جامعه شیعی مستور و پنهان مانده بود. ایشان می‌توانست حرکت خود را نظیر مدرس و یا آیت‌الله کاشانی در قالب اصول مشروطیت در جهت کنترل ظلم و استبداد، تبیین کند و لکن حرکت ایشان به این مقدار توقف نکرد و ولایت فقیه را به‌عنوان هدف مورد نظر مطرح نمود.

ولایت فقیه نظریه‌ای است که ریشه در اعماق فقه سیاسی شیعه دارد. نظرات دیگری که در محدوده فقه سیاسی شیعه برای برخورد عمل سیاسی فعال شیعیان در تاریخ غیبت ائمه معصومین اظهار می‌شود، هیچ یک به‌گونه‌ای نیست که در عرض این نظر قرار گیرد. ولایت فقیه تنها ولایت و حاکمیت ذاتاً مشروعی است که در دوران



غیبت برای شیعیان قابل تصور است و هر نوع حاکمیتی غیر از آن، مصداق حاکمیت طاغوت و یا به تعبیر نائینی همچون موجود سیاهی است که در برخی از شرایط می‌توان به محدود کردن آن اقدام کرد.

ولایت فقیه نظریه‌ای است که می‌تواند فاصله و گسل دولت و ملت را در جامعه شیعی به‌طور کامل حذف کند. دیگر نظریه‌ها و از جمله آنچه در جنبش عدالتخانه و مشروطه مطرح شد گرچه شیعیان را به‌سوی نوعی حرکت اجتماعی فعال بسیج می‌کند، اما فاصله مردم و دولت را به شرحی که پیش از این گذشت، به‌طور کامل حذف نمی‌کند. مبانی نظریه حرکتی که امام خمینی (ره) براساس ولایت فقیه سامان داده ریشه در بنیان‌های فرهنگی جامعه شیعی است. در تاریخ فقه شیعه، فقهی را نمی‌توان یافت که مسئله ولایت فقیه را طرح و طرد کرده باشد و یا فقهی را نمی‌توان یافت که به مشروعیت حاکمیت دیگری غیر از ولایت فقه فتوا داده باشد. مرحوم شیخ محمدحسن نجفی، صاحب جواهر، فقهی است که در احاطه بر فتاوی مشهور، سرآمد دیگران است. چندان که او را لسان مشهور می‌نامند. او در کتاب جواهرالکلام درباره ولایت فقیه بیان کرده که اجماع بر این اصل را از تتبع در اقوال فقیهان می‌توان به‌دست آورد و سپس می‌نویسد:

«شگفت است که برخی از آدم‌ها در این اصل و عموم آن تردید کرده و وسوسه می‌کنند، گویی که آنان چیزی از طعم فقه نچشیده‌اند و لحن گفتار فقیهان و رموز آنان را در نیافته‌اند».

امام آرمانی را که در متن فرهنگ و اعتقاد مردم ریشه داشت در ناب‌ترین و عریان‌ترین چهره بیان کرد. ناب بودن بیان امام از این جهت بود که او به هیچ یک از اهداف سیاسی که در عملکرد فعال نیروی مذهبی می‌توانست مورد نظر قرار گیرند

بسنده نکرد و محدود کردن ظلم و مانند آن را به‌عنوان هدف حرکت معرفی نکرده، بلکه تحقق حاکمیت آرمانی را در دستور کار قرار داد.<sup>(۷)</sup>

درواقع امام خمینی (ره) با در نظر گرفتن تجربه‌های طولانی و زیاد از مشروطه تا رضاخان و بعد محمدرضا به این نتیجه رسیدند که به هر حال، تا تغییری بنیادین در تشکیلات اجتماعی به وجود نیاید و تشکیلات جدیدی بر مبنای اندیشه سیاسی اسلام مستقر نشود، کوشش برای تأمین اهداف، نتیجه اساسی در پی نخواهد داشت. لذا ایشان از اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی تکلیف خود را در مبارزه قهرآمیز با حکومت «جائر و فاسد» وقت دیدند و حرکت تدریجی خود را براساس اندیشه سیاسی تشیع برای سرنگونی نظام پهلوی و تأسیس حکومت اسلامی آغاز کردند.<sup>(۸)</sup> ایشان در دی‌ماه ۱۳۵۷ شمسی در این مورد بیان می‌دارد:

«من جنایات شاه را در طول سلطنت دنبال می‌کردم تا وقتی رسید که باید علیه او قیام کنم و مبارزات خود را بیش از ۱۵ سال پیش آغاز کردم و همیشه خواست مردم را که واژگونی دودمان پهلوی و برچیدن نظام شاهنشاهی و استقرار یک حکومت اسلامی است، بدون هیچ‌گونه تردیدی اعلام نمودم...»<sup>(۹)</sup>

### دلایل لزوم تشکیل حکومت اسلامی

در دیدگاه امام خمینی (ره) ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن موجب تصدیق می‌شود و چندان به برهان احتیاج ندارد. به این معنی که هر کس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالاً دریافته باشد چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور



آورد، بیدرنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت.<sup>(۱۰)</sup> به نظر ایشان اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره جزئی از ولایت است چنان‌که مبارزه و کوشش برای آن از اعتقاد به ولایت است.<sup>(۱۱)</sup> در ذیل به دلایل لزوم تشکیل حکومت از دیدگاه امام (ره) می‌پردازیم:

### ۱. لزوم مؤسسات اجرایی

به نظر امام مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای اینکه قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود، به قوه اجرائیه و مجری احتیاج دارد. به همین جهت خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون، یعنی احکام شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است.<sup>(۱۲)</sup> به نظر ایشان اصولاً قانون و انتظامات اجتماعی مجری لازم دارد. قانونگذاری به تنهایی سعادت بشر را تأمین نمی‌کند. پس از تشریح قانون باید قوه مجریه را به وجود آورد. قوه مجریه است که قوانین و احکام دادگاه‌ها را اجرا می‌کند و ثمره قوانین و احکام عادلانه دادگاه‌ها را عاید مردم می‌سازد. به همین جهت اسلام همان طوری که قانونگذاری کرده قوه مجریه هم قرار داده است. «ولی امر» متصدی قوه مجریه هم هست.<sup>(۱۳)</sup>

به نظر امام رسول اکرم (ص) علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر عقاید و احکام و نظامات اسلام، به اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام همت گماشته بود تا دولت اسلام را به وجود آورد.<sup>(۱۴)</sup> به نظر ایشان بدیهی است ضرورت اجرای احکام، که تشکیل حکومت رسول اکرم (ص) را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست و پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز ادامه دارد.<sup>(۱۵)</sup> به نظر ایشان این

عقیده که قوانین اسلام تعطیل‌پذیر یا منحصر و محدود به زمان و یا مکانی است، بر خلاف ضروریات اعتقادی اسلام است. بنابراین، چون اجرای احکام پس از رسول اکرم (ص) و تا ابد ضرورت دارد، تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره ضرورت می‌یابد. بدون تشکیل حکومت و بدون دستگاه اجرا و اداره که همه جریانات و فعالیت‌های افراد را از طریق اجرای احکام تحت نظام عادلانه درآورد، هرج و مرج به وجود می‌آید و باعث فساد اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی می‌شود. پس برای اینکه هرج و مرج و عنان‌گسیختگی پیش نیاید و جامعه دچار فساد نشود، چاره‌ای نیست جز تشکیل حکومت و انتظام بخشیدن به همه اموری که در کشور جریان می‌یابد. بنابراین، به ضرورت شرع و عقل آنچه در دوره حیات رسول اکرم (ص) در زمان امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب (ع) لازم بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره، پس از ایشان و در زمان ما لازم است.<sup>(۱۶)</sup>

### ۲. ماهیت و کیفیت قوانین اسلام

به نظر امام اصل دیگر بر لزوم تشکیل حکومت، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام (احکام شرع) است. ماهیت و کیفیت این قوانین می‌رساند که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح گشته است.

اولاً احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی هر چه بشر نیاز دارد فراهم آمده است. به نظر امام قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد.



ثانیاً با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع درمی‌یابیم که اجرای آنها و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد.<sup>(۱۷)</sup>

### ۳. لزوم انقلاب سیاسی

به نظر امام پس از رحلت رسول اکرم (ص) نگذاشتند حکومت اسلامی با ولایت علی بن ابی‌طالب (ع) مستقر شود و حکومتی مرضی خدا و رسول خدا در خارج وجود پیدا کند. به نظر ایشان شرع و عقل حکم می‌کند نباید اجازه داد وضع حکومت‌ها به صورت ضداسلامی یا غیراسلامی ادامه پیدا کند. چون برقراری نظام سیاسی غیراسلامی به معنای عدم اجرای نظام سیاسی اسلام است و همچنین به دلیل اینکه هر نظام سیاسی غیراسلامی، نظامی شرک‌آمیز است و مسلمان‌ها موظف به از بین بردن آثار شرک از جامعه اسلامی خودشان هستند.<sup>(۱۸)</sup>

### ۴. لزوم وحدت اسلامی

به نظر امام استعمارگران و حکام مستبد و جاه طلب امت‌های اسلام را از هم جدا کرده و به صورت چندین ملت مجزا درآورده‌اند به نظر ایشان برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم و وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی جز تشکیل حکومت نداریم.<sup>(۱۹)</sup>

### جایگاه و نقش ولی فقیه در اندیشه امام خمینی (ره)

از دیدگاه امام خمینی (ره) ولی فقیه زمامدار حکومت اسلامی و بالاترین مقام جامعه در عصر غیبت است. بنابراین باید گفت که از این دیدگاه ایشان مسئول تحقق اهداف حکومت اسلامی در عرصه‌های فردی - اجتماعی و ضامن حفظ ضوابط حاکم بر حکومت اسلامی و هدف وی، تحقق دغدغه‌ها و غایات سیاست اسلامی در ابعاد معنوی و مادی آن است. براین اساس حفظ دین، دین‌مداری و دین‌ورزی، حفظ آزادی، استقلال و موجودیت کشور در نظام، برقراری نظام اجتماعی عادلانه و تحقق عدالت اجتماعی و فراهم بودن دیگر زمینه‌های مادی - معنوی لازم برای پرورش انسان‌هایی مذهب - آن‌گونه که خداوند می‌خواسته - اصلی‌ترین و آرمانی‌ترین دغدغه‌های زمامدار حکومت اسلامی به‌شمار می‌رود.

ولی فقیه می‌خواهد که دولتمردان، فاسد و خط‌مشی آنها، خلاف خط‌مشی و اصول اسلام نباشد و آنها مملکت را براساس عدل الهی و قوانین اسلامی اداره و تمثیت نمایند و می‌خواهد که مردم هم همچون مسئولان، دین‌مدار باقی بمانند. ایشان بالاترین سیاستمدار و «هادی و راهبر» قوای سه‌گانه و نیز ملت به‌سوی صلاح مادی و معنوی‌شان محسوب می‌شود.

ولی فقیه تحت هیچ اراده‌ای جز اراده الهی قرار نمی‌گیرد و مدافع آموزه‌های اساسی دین در مقابل تهاجم و تمسخر است و اجازه نمی‌دهد زد و بندها و مصلحت‌اندیشی‌های غیرخدایی، شخصی و گروهی و تسامح از روی هوس، ترس و بی‌دینی، اصول و مبانی دین را به مسلخ ببرد. ولی فقیه مراقب خواهد بود تا جامعه و



نظام در اندیشه و عمل به سوی مکاتب انحرافی حاکم بر دنیا (شرق و غرب) گرایش پیدا نکنند، بلکه در جستجوی اندیشه‌های مناسب و الگوها و روش‌های برخاسته از فکر اسلامی می‌باشند. باید تأکید کرد که از این دیدگاه، عدم پذیرش سلطه «سلطه‌جویان بین‌المللی» و حفظ استقلال کشور در عین داشتن روابط با کشورهای جهان در حرکت به سوی صلاح مادی و معنوی، نقش اساسی دارد. از این رو است که این مهم نزد ولی فقیه امری مهم و بسیار حساس به‌شمار می‌رود.

در حکومت ولایی تنظیم «سیاست‌های کلی نظام» با اشراف مستقیم و کامل رهبری انجام خواهد شد تا جریان امور در سیاست داخلی و خارجی، به تحقق غایات سیاست اسلامی و مقاصد و اهداف ولی فقیه منجر شود. با این اوصاف باید گفت که ولی فقیه در غیاب امام معصوم بنیان مرسوسی است که حفظ دین‌مداری «جامعه و نظام» و حفظ آزادی و استقلال کشور را برعهده دارد. براساس این دیدگاه است که جمله معروف امام خمینی (ره) که «پشتیبان ولی فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد»، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. در مجموع باید گفت که از دیدگاه امام خمینی (ره)، حفظ «در اصل نظام اسلامی و اسلامیت آن»، حفظ «استقلال و آزادی» کشور و پیشرفت آن بر دین‌مدار، اصلی‌ترین اهداف و اولویت‌های ولی فقیه محسوب می‌شود.

از دیدگاه امام خمینی (ره) قوانین الهی در معنای جامع آن وسیله تحقق اهداف حکومت اسلامی و به‌تبع آن اهداف ولی فقیه است و اجرای این قوانین از لوازم حکومت ولایی به‌شمار می‌رود. در این نوع حکومت به لحاظ تشریحی اراده تمام مسئولان و همچنین مردم در طول اراده الهی قرار خواهد داشت. از این رو باید گفت که مقصود اساسی و مأموریت اصلی ولی فقیه در کلی‌ترین سطح اجرای قوانین الهی در

معنای جامع آن در جامعه است.<sup>(۲۰)</sup>

ولی فقیه به جهت دارا بودن علم مخصوص و ملکه عدالت، در مصدر سیاستگذاری‌های کلی و در مقام هدایت کردن نظام و نظارت بر آن قرار می‌گیرد و مجریان می‌باید متعهد به اسلام بوده، بتوانند امور را بر مبنای قوانین اسلامی و در جهت خیر و صلاح مادی و معنوی کشور اداره کنند. مجموع این شرایط، نظم اسلامی را به حرکت دادن جامعه در مداری که رو به سوی تکامل معنوی و پیشرفت مادی است، موفق خواهد ساخت. از این رو است که در دیدگاه ایشان، مقصود از حکومت فقیه جامع‌الشرایط، این است که فقیه در جایگاه ارشاد، هدایت و راهبردی باشد، بر امور مملکت و متصدیان آن اشراف و نظارت داشته و حق کنترل آنها را نیز داشته باشد. در این صورت می‌توان گفت که «حکومت فقیه جامع‌الشرایط» تحقق پیدا کرده است.

از این دیدگاه ولی فقیه ضامن اسلامیت، جمهوریت، اجرای قوانین اسلامی و رعایت مصالح کشور و مردم و هادی دولت و ملت در این مسیر است. بر همین اساس است که در نظام جمهوری اسلامی ایران صحه گذاشتن بر صلاحیت دولتمردان از نظر خط‌مشی، مستقیم یا غیرمستقیم برعهده ولی فقیه قرار گرفته است. از نظر امام خمینی (ره)، حاکمیت قوانین و عدل الهی بر حکومت است که آن را مشروع و «برحق» می‌سازد و حکومت‌هایی که براساس قوانین و عدل الهی نباشند، طاغوتی و نامشروع خواهند بود. لذا از آنجا که ولی فقیه ضامن حفظ این ضوابط است، باید گفت که از دیدگاه ایشان، مشروعیت همه قوا در دستگاه‌ها و دولتمردان کشور به ولی فقیه برمی‌گردد.<sup>(۲۱)</sup>

**ولایت فقیه در کلام امام (ره)**

در اینجا به بیان سخنان امام خمینی (ره) در رابطه با اهمیت و معنا و مفهوم ولایت فقیه و جایگاه آن در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم»

- از این جهت اسلام بُنیَ علی خَمَس، نه معنایش آن است که ولایت در عرض این است ولایت اصلش مسئله حکومت است، حکومت هم این طوری است، حکومت حتی از فروع هم نیست.<sup>(۲۲)</sup>

- اینکه اینقدر صدای غدیر بلند شده است و اینقدر برای غدیر ارج قائل شده‌اند - و ارج هم دارد - برای این است که با اقامه ولایت یعنی با رسیدن حکومت به دست صاحب حق، همه این مسائل حل می‌شود، همه انحرافات از بین می‌رود. اگر حکومت عدل به پا شود، اگر گذاشته بودند که حضرت امیر (ع) حکومتی را که می‌خواهد به پا کند، تمام انحرافات از بین می‌رفت و محیط یک محیط صحیح و سالم می‌شد که آن وقت مجال برای همه اشخاص که دارای افکار هستند، عرفا که دارای افکار هستند، حکما که دارای افکار هستند، فقها، همه برای آنها مجال هم پیدا بشود.<sup>(۲۳)</sup>

- اگر چنانچه همین ولایت فقیه را، که معنایش این است که آنی که خدای تبارک و تعالی تعیین کرده است برای نظارت در امور و تعیین مراکز قدرت، آن عبارت از فقیه جامع‌الشرایط است، اگر همین را شما به فراندوم ملت بگذارید، همان رأیی که او آورد (این نیز می‌آورد).<sup>(۲۴)</sup>

- وقتی می‌گوییم ولایتی را که رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) داشتند، بعد از غیبت فقیه عادل دارد، برای هیچ کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام

ائمه (ع) و رسول اکرم (ص) است. زیرا اینجا صحبت از مقام نیست، بلکه صحبت از وظیفه است «ولایت» یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه سنگین و مهم است، نه اینکه برای کسی شأن و مقام غیرمادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد، به عبارت دیگر، «ولایت» مورد بحث، یعنی حکومت و اجرا و اداره، برخلاف تصویری که خیلی از افراد دارند، امتیاز نیست، بلکه وظیفه‌ای خطیر است.<sup>(۲۵)</sup>

- قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله هست.<sup>(۲۶)</sup>

- به حرف‌های آنهايي که برخلاف مسیر اسلام هستند و خودشان را روشنفکر حساب می‌کنند و می‌خواهند ولایت فقیه را قبول نکنند (اعتنا نکنید) اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خدا، یا طاغوت، یا خداست، یا طاغوت. اگر با امر خدا نباشد، رئیس‌جمهور با نصب فقیه نباشد، غیرمشروع است. وقتی غیرمشروع شد، طاغوت است، اطاعت او اطاعت طاغوت است. وارد شدن در حوزه او وارد شدن در حوزه طاغوت است. طاغوت وقتی از بین می‌رود که به امر خدای تبارک و تعالی یک کسی نصب بشود، شما نترسید از این چهار نفر آدمی که نمی‌فهمند اسلام چه است، نمی‌فهمند فقیه چه است، نمی‌فهمند که ولایت فقیه یعنی چه؟ آنها خیال می‌کنند که یک فاجعه به جامعه است! اینها اسلام را فاجعه می‌دانند، نه ولایت فقیه را. اینها اسلام را فاجعه می‌دانند، ولایت فقیه فاجعه نیست. ولایت فقیه تَبَع اسلام است.<sup>(۲۷)</sup>



- ولایت فقیه ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود. نظارت کند بر مجلس، بر رئیس‌جمهور، که مبدا یک پای خطایی بر دارد. نظارت کند بر نخست‌وزیر که مبدا یک کار خطایی بکند. نظارت کند که بر همه دستگاه‌ها، بر ارتش، که مبدا یک کار خلافی بکند. جلوی دیکتاتوری را ما می‌خواهیم بگیریم، نمی‌خواهیم دیکتاتوری باشد، می‌خواهیم ضد دیکتاتوری باشد. ولایت فقیه، ضد دیکتاتوری است، نه دیکتاتوری.<sup>(۲۸)</sup> ولایت فقیه و حکم حکومتی از احکام اولیه است.<sup>(۲۹)</sup>

- ائمه و فقهای عادل موظفند که از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند. صرف حکومت برای آنان جز رنج و زحمت چیزی ندارد، منتها چه بکنند؟ مأمورند انجام وظیفه کنند. موضوع «ولایت فقیه» مأموریت و انجام وظیفه است.<sup>(۳۰)</sup>

- اینکه فرموده‌اند «فقها حصون اسلامند، یعنی مکلفند اسلام را حفظ کنند و زمینه‌ای را فراهم آورند که بتوانند حافظ اسلام باشند و این از اهم واجبات است. از واجبات مطلق می‌باشد، نه مشروط و از جاهایی است که فقهای اسلام باید دنبالش بروند، حوزه‌های دینی باید به فکر باشند و خود را مجهز به تشکیلات و لوازم و قدرتی کنند که بتوانند اسلام را به تمام معنا نگهبانی کنند، همان‌گونه که خود رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) حافظ اسلام بودند و عقاید و احکام و نظامات اسلام را به تمام معنا حفظ می‌کردند.<sup>(۳۱)</sup>

- این حرف‌هایی که می‌زنند که خیر اگر چنانچه ولایت فقیه درست بشود دیکتاتوری می‌شود، اینها از باب این است که ولایت فقیه را نمی‌فهمند چیست. ولایت

فقیه نباید بشود، برای اینکه باید حکومت ملت باشد. اینها ولایت فقیه را اطلاع بر آن ندارند. مسائل این حرف‌ها نیست. ولایت فقیه می‌خواهد جلوی دیکتاتوری را بگیرد. نه اینکه می‌خواهد دیکتاتوری کند. اینها از این می‌ترسند که مبدا جلو گرفته بشود. جلوی دزدی‌ها را می‌خواهد بگیرد اگر رئیس‌جمهور با تصویب فقیه باشد، با تصویب یک نفری که اسلام را بداند چیست، درد برای اسلام داشته باشد، اگر درست بشود، نمی‌گذارد این رئیس‌جمهور یک کار خطا بکند و اینها این را نمی‌خواهند. اینها اگر یک رئیس‌جمهور غربی باشد، همه اختیارات را دستش بدهند، هیچ مضایقه‌ای ندارند و اشکالی نمی‌کنند، اما اگر یک فقیهی که یک عمری را برای اسلام خدمت کرده، علاقه به اسلام دارد، با آن شرایطی که اسلام قرار داده است که نمی‌تواند یک کلمه تخلف بکند (اشکال می‌کنند).<sup>(۳۲)</sup>

- جهان، اسلام را نمی‌دانند یعنی چه. آن جهانی که شما می‌گویید، یک جهان جاهل است به اسلام اینها نمی‌دانند که حکومت اسلامی می‌آید برای اینکه دیکتاتوری نباشد. حکومت اسلام یک حکومتی است که برای از بین بردن دیکتاتوری می‌آید. آن کسی که اسلام قرار داده برای حکومت، آن کسی است که با دیکتاتوری به حسب مذهبش مخالف است. مذهبش حکم می‌کند به اینکه دیکتاتوری نباشد باشد ... اسلام مقابل دیکتاتورها ایستاده و ما می‌خواهیم که فقیه باشد که جلوی دیکتاتورها را بگیرد. نگذارد رئیس‌جمهور دیکتاتوری کند.<sup>(۳۳)</sup>

- استبداد را ما می‌خواهیم جلویش را بگیریم با همین ماده‌ای که در قانون اساسی است که ولایت فقیه را درست کرده این استبداد را جلویش را می‌گیرند. آنهایی که مخالف با اساس بودند می‌گفتند که این استبداد می‌آورد ... استبداد با آن



چیزی که قانون تعیین کرده نمی‌آورد. بلی ممکن است که بعدها یک مستبدی بیاید. شما هر کاری‌اش بکنید مستبدی که سرکش است بیاید هر کاری می‌کند. اما فقیه مستبد نمی‌شود. فقیه‌ی که این اوصاف را دارد عادل است. عدالتی که ... یک کلمه دروغ او را از عدالت می‌اندازد، یک نگاه به نامحرم او را از عدالت می‌اندازد، یک آدمی نمی‌تواند خلاف بکند، نمی‌کند خلاف. این جلوی این خلاف‌ها را می‌خواهد بگیرد. این رئیس‌جمهور که ممکن است یک آدمی باشد ولی شرط نکردند دیگر عدالت و شرط نکردند، این مسائلی است که در فقیه است، ممکن است یک وقت بخواهد تخلف کند، بگیرد جلوی‌اش را، کنترل کند. آن رئیس‌ارتش اگر یک وقت بخواهد یک خطایی بکند آن حق قانونی دارد که او را رهاپیش کند، بگذاردش کنار. بهترین اصل در اصول قانون اساسی این اصل ولایت است.<sup>(۳۴)</sup>

- ولایت فقیه آن طور که اسلام مقرر فرموده است و ائمه ما نصب فرموده‌اند به کسی صدمه وارد نمی‌کند، دیکتاتوری به وجود نمی‌آورد، کاری که بر خلاف مصالح مملکت است انجام نمی‌دهد، کارهایی که بخواهد دولت یا رئیس‌جمهوری یا کس دیگری بر خلاف مسیر ملت و برخلاف مصالح کشور انجام دهد، فقیه کنترل می‌کند، جلوگیری می‌کند.<sup>(۳۵)</sup>

- آنقدر به ولایت فقیه، اثر مترقی بار است که در سایر این مواردی که شما ملاحظه می‌کنید، معلوم نیست مثل آنجا باشد. یک نفر آدمی که همه جهات اخلاقی و دیانتش و ملی بودنش و علم و عملش ثابت است پیش ملت و خود ملت این را تعیین می‌کند، این نظارت می‌کند بر اینکه مبدا خیانت بشود. همان رئیس‌جمهوری که ملت خودشان تعیین می‌کنند و ان‌شاء الله دیگر از این به بعد امین تعیین می‌کنند، لکن مع

ذلک برای محکم کاری یک فقیه‌ی که عمرش را صرف در اسلام کرده است و عمرش را برای اسلام خدمت کرده، می‌گذارند ببینند این چه می‌کند؟ مبدا یک وقت خلاف بکند، رئیس‌جمهور آتی ما خلاف نمی‌کند لکن محکم کاری شده که نگذارند این خلاف بکند. رؤسای ارتش ما و ژاندارمری ما و این رؤسای درجه اول، دیگر از این به بعد اشخاصی نیستند که خیانت بکنند، لکن محکم کاری شده است که همین فقیه را ناظر قرار بدهند و هکذا آن موارد حساس را نظارت می‌کند فقیه و تصرف می‌کند فقیه و این از اموری است که مترقی‌ترین موادی است که در قانون اساسی اینها (تصویب) کردند و اینها دشمن‌ترین مواد، پیششان این است.<sup>(۳۶)</sup>

- یک همچو روحانی اگر نقش داشته باشد در دولت، نمی‌گذارد دیگر نخست وزیرش، رئیس‌جمهورش هر جا که ظلم ببیند، روحانی نقش دارد بر اینکه جلوی‌اش را بگیرد و هر وقتی بخواهد یک قلدری پیش بیاید جلوی‌اش را می‌گیرد. می‌خواهد خلاف آزادی باشد، جلوی‌اش را می‌گیرد. بخواهد یک دولتی قراردادی با یک دولتی ببندد که اسباب این بشود که این تابع آن بشود، پیوند آن بشود، روحانی جلوی‌اش را می‌گیرد. یک اصلی است که اصل یک مملکت را اصلاح می‌کند.<sup>(۳۷)</sup>

### قلمرو و اختیارات ولی فقیه

بر طبق نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره) چون منصب ولایت امری از ناحیه شارع مقدس به فقیه تفویض شده است، حدود قلمرو و اختیارات او را هم شرع تعیین می‌کند. همچنین تمامی اختیارات و وظایف حکومتی و سلطانی که رسول خدا (ص) و



ائمه معصومین (ع) از آن برخوردار بودند، برای جانشین آن بزرگواران ثابت و مسلم می‌شمارند، چراکه وظایف و مسئولیت‌های مشابه، حوزه اختیارات مساوی و همسانی را می‌طلبد. براساس این همان‌طور که مردم در ترسیم حدود و وظایف و اختیارات معصومان هیچ‌گونه دخالتی نداشته و ندارند، در مورد حوزه اختیارات فقیه منصوب نیز به هیچ وجه نباید دخالت کنند، زیرا اگر نمی‌توان و نباید قلمرو اختیارات پیامبر و ائمه در اجرای احکام شریعت، اقامه حدود الهی، تشکیل نظام سیاسی - اجتماعی برای مسلمانان، حفظ و صیانت از آن و نیز اخذ خراج و مالیات‌های دینی و مصرف آن در مصالح عمومی را مقید و محدود به دخالت، انتخاب و شروط آدمیان دانست، حوزه اختیارات فقیه را هم نمی‌باید به چیزی مقید و محدود کرد.<sup>(۳۸)</sup> بنابراین دایره اختیارات ولایت فقیه براساس این نظریه به شرح زیر ترسیم می‌گردد:

۱. ولی فقیه در امور حکومتی، همه اختیاراتی که پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) داشته‌اند، داراست امام خمینی (ره) در این زمینه می‌گوید:

«فقیه عادل تمامی اختیارات حکومتی و سیاسی پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) را دارا می‌باشد و اساساً تفاوت معقول نمی‌باشد، زیرا والی هر که باشد اجراکننده احکام شریعت، اقامه‌کننده حدود الهی، گیرنده خراج و مالیات و متصدی مصرف آنها مطابق مصلحت مسلمانان است. این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم (ص) بیشتر از حضرت امیر (ع) بود، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر (ع) بیش از فقیه است، باطل و غلط است؛ همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه (ع) داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است، منتهی شخص معینی نیست، روی عنوان عالم عادل است.»<sup>(۳۹)</sup>

۲. قلمرو اختیارات ولی فقیه در چارچوب اهداف و احکام اسلام مطلقه است، ولی محدود به قوانین اولیه و ثانویه شرع نیست. در این باره امام خمینی (ره) می‌گوید:

«اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعی الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مفوضه به نبی اسلام یک پدیده بی‌معنا و بی‌محتوا باشد ... حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی حتی نماز و روزه و حج است ... حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و چه غیرعبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام است از آن مادامی که چنین است، جلوگیری کند.»<sup>(۴۰)</sup>

۳. اختیارات رهبری در نظام سیاسی اسلام فراتر از قراردادهای اجتماعی و قوانین موضوعه حتی قانون اساسی است، چنان که امام در اشاره به اصل یکصد و دهم قانون اساسی ضمن نارسا دانستن آن می‌گوید:

«اینکه در قانون اساسی یک مطلبی و لو به نظر من یک قدری ناقص است و روحانیت بیشتر از این در اسلام اختیارات دارد ... اینکه در قانون اساسی هست، این بعض شئون ولایت فقیه است نه همه شئون ولایت فقیه.»<sup>(۴۱)</sup>

### نتیجه‌گیری

از دیدگاه امام خمینی (ره) هدف «ولی فقیه» به‌عنوان زمامدار کشور، تحقق دغدغه‌های سیاست اسلامی در بعد مادی و معنوی است. براین اساس حفظ دین، دین‌مداری و



دین‌ورزی، حفظ آزادی، استقلال و موجودیت نظام و کشور، برقراری نظام اجتماعی عادلانه و تحقق عدالت اجتماعی و فراهم نمودن دیگر زمینه‌های مادی و معنوی لازم برای اصلاح اعتقادی - اخلاقی و پرورش انسان مهذب - آن‌گونه که خداوند می‌خواسته است - اصلی‌ترین و آرمانی‌ترین دغدغه‌های زمامدار حکومت اسلامی است.

از آنجا که قوانین الهی در معنای جامع آن، وسیله تحقق اهداف مذکور است، می‌توان گفت که موضوع مأموریت «ولی فقیه» اجرای قوانین الهی در جامعه است. ولی فقیه که در قبال اجرای قوانین الهی در جامعه و حکومت مسئولیت کامل دارد، به‌گونه‌ای که خطمشی‌ها براساس اسلام و عدم تخطی از آن و جهت کلی حرکت کشور و برنامه‌ریزی‌ها را به‌سوی صلاح مادی و معنوی باشد.

از دیدگاه امام خمینی (ره) تحقق این مسئولیت، منوط به وجود سازوکاری است که به‌طور کلی می‌توان آن را در اشراف و نظارت کامل «ولی فقیه» بر قوای کشور و کنترل آنها از نظر رعایت ضوابط خلاصه کرد بر همین مبناست که صحه گذاشتن بر صلاحیت دولتمردان از نظر خطمشی، مستقیم یا غیرمستقیم برعهده ایشان قرار دارد. ولی فقیه ضامن اسلامیت، جمهوریت، اجرای قوانین الهی و مصالح کشور و مردم و هادی مردم در این مسیر است و ازاین‌رو مشروعیت همه دستگاه‌ها و دولتمردان به او برمی‌گردد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. حسینیان، روح‌الله. درآمدی بر انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۸۸، صص ۵۶۷ - ۵۶۸.
۲. امام خمینی (ره). صحیفه امام، ج ۴، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ص ۶۵.
۳. همان، ص ۵۴۷.
۴. همان، ص ۴۳۸.
۵. همان، ج ۴، ص ۲۱۹.
۶. همان، ج ۳، ص ۳۷۲.
۷. فراتی، عبدالوهاب. انقلاب اسلامی، بحران‌ها و چالش‌ها، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱، صص ۲۳۶ - ۲۳۹.
۸. برهانی، جعفر. روحانیت و حکومت جایگاه روحانیت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۸۵ - ۸۶.
۹. امام خمینی (ره). صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۹۰.
۱۰. خمینی، روح‌الله. ولایت فقیه و حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲، ص ۳.
۱۱. همان، ص ۱۵.
۱۲. همان، ص ۱۷.
۱۳. همان، صص ۱۷ - ۱۸.
۱۴. همان، ص ۱۷.
۱۵. همان، ص ۱۸.
۱۶. همان، صص ۱۸ - ۱۹.
۱۷. همان، صص ۲۰ - ۲۲.
۱۸. همان، صص ۲۵ - ۲۶.



۱۹. همان، صص ۲۶ - ۲۷.
۲۰. برهانی، پیشین، صص ۱۲۰ - ۱۲۱.
۲۱. همان، صص ۱۲۵ - ۱۲۶.
۲۲. خمینی، روح‌الله. حکومت اسلامی ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره)، تبیان آثار موضوعی (دفتر چهل و پنجم) تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۵/۶/۲، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱.
۲۳. امام خمینی (ره). صحیفه امام، ج ۲۰، همان، ۱۳۶۵/۶/۲، صص ۱۱۴ - ۱۱۵.
۲۴. همان، ج ۱۰، ۱۳۵۸/۸/۱، ص ۳۲۳.
۲۵. امام خمینی (ره). ولایت فقیه، پیشین، ص ۵۱.
۲۶. امام خمینی (ره). صحیفه امام، پیشین، ج ۱۰، ۱۳۵۸/۷/۳۰، ص ۳۰۸.
۲۷. همان، ج ۱۰، ۱۳۵۸/۷/۱۲، ص ۳۲۱.
۲۸. همان، ۱۳۵۸/۷/۳۰، ص ۳۱۱.
۲۹. صحیفه امام، ج ۲۰، ۱۳۶۶/۱۰/۲۳، ص ۴۵۷.
۳۰. امام خمینی (ره). ولایت فقیه، پیشین، صص ۹۴ - ۹۵.
۳۱. همان، ص ۵۵.
۳۲. صحیفه امام، همان، ج ۱۰، ۱۳۵۸/۸/۳، صص ۳۵۲ - ۳۵۳.
۳۳. همان، ج ۱۱، ۱۳۵۸/۹/۲۶، صص ۳۰۴ - ۳۰۶.
۳۴. همان، ج ۱۱، ۱۳۵۸/۱۰/۷، صص ۴۶۴ - ۴۶۵.
۳۵. همان، ج ۱۰، ۱۳۵۸/۶/۲۸، صص ۵۸ - ۵۹.
۳۶. همان، ۱۳۵۸/۸/۱۶، صص ۵۲۵ - ۵۲۶.
۳۷. همان، ج ۱۱، ۱۳۵۸/۱۰/۷، صص ۴۶۵ - ۴۶۶.
۳۸. لکزایی، شریف. بررسی تطبیقی نظریه‌های ولایت فقیه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۷۳.
۳۹. امام خمینی (ره). ولایت فقیه، ص ۵۵.
۴۰. امام خمینی (ره). صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷.
۴۱. همان، ج ۶، ص ۵۱۹.

## منابع و مآخذ

۱. حسینیان، روح‌الله. درآمدی بر انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۸۸.
۲. فراتی، عبدالوهاب. انقلاب اسلامی، بحران‌ها و چالش‌ها، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱.
۳. برهانی، جعفر. روحانیت و حکومت جایگاه روحانیت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
۴. خمینی، روح‌الله. ولایت فقیه و حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲.
۵. خمینی، روح‌الله. حکومت اسلامی ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره)، تبیان آثار موضوعی (دفتر چهل و پنجم) تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴.
۶. لکزایی، شریف. بررسی تطبیقی نظریه‌های ولایت فقیه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۱۰۶۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: جایگاه ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: محمدرضا شمس

ناظر علمی: ابوزرگ گوهری مقدم

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی:

۱. ولایت فقیه

۲. امام خمینی (ره)

۳. روحانیت

۴. اسلام

۵. حکومت

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۷/۹